

لازمه امور بکار برده و مخصوصاً سعی و کوشش بسیار نمودند که استقراض جدید از روس و انگلیس را مانع شوند ، زیرا که آنها آن قروض روز افزون ملت ایران را ، باعث خطر آزادی و استقلال سلطنت میدانستند ، باین ملاحظه کوشش نمودند که مخارج شاه و اهل دربار و اطرافیانش را محدود سازند . آن تصرفات نهجایز غاصبانانه را که با کمال بی دینتی مثل دزد ها در مالیات و عایدات دولتی می نموده و مثل ابلک شخصی اجاره میدادند ، تخفیف و اثرات مضرت بخش مسیو نوز (M. Naus) که شخص بلجیکی ، و از چند سال قبل باعده از هبوطانش برای نظم گمرکات ایران جلب شده بودند خاتمه دهند . زیرا سرمایه بزرگی برای خود تحصیل و اقتدار و مداخلات بسیار ، ضرری در دو قوه پانیکی و مالیاتی فراهم کرده بود . مجلس در این صدد هم بود که یک بانک ملی که سرمایه اش از سهام شرکاء داخلی باشد تشکیل دهد ، تا بواسطه اتکال و اتکاء به آن از استقراضات اجانب رهائی یابند .

دهم فوریه ۱۹۰۷ (۲۶ ذی حجه ۱۳۲۴) شاه مجبور شد که مسیونوز را معزول نماید . این اولین کامرانی بود که وقع و اهمیت مجلس را در انظار مردم ایران بسیار ترقی داد .
 در این موقع شاه مصمم شد که از امین السلطان معروف به اتابک اعظم ، برای انجام دادن مشاغل ریاست الوزرائی ، خواهش مراحت بایران نماید . تاریخ جدید ایران شاید اتابک را مقتدر ترین شخصی بداند که با تعلیمات بسیار وسیعه اروپائی ، بعد از سیاحت کامل مراجعت نموده ، ولی بکلی مستبد و مرتشی بود . ملاها او را بواسطه شرکت و مداخلت بی تدبیرانه که در دو فقره استقراض از روس بابت سنه ۱۸۹۹ تا سنه ۱۹۰۰ و سنه ۱۹۰۲ نموده بود مجرم و مقصر میدانستند ، و در سنه ۱۹۰۳ مجبور شد

که جلاء وطن نماید. وقتی که اثابك اظهار رضایت بمراجعت نمود ، دوات روس در تجدید روابط دوستی و خصوصیت و گرم گرفتن با او ، فرصت را از دست نداده و مشارالیه را با کشتی جنگی خود باشایان ترین اعزازات رسمی از بحر خزر به بندر انزلی ایران عبور داد . همینکه از کشتی پیاده شد اهالی رشت که مقرر حکومت گیلانست ، قبل از اینکه اجازه حرکت بسمت طهران باو بدهند او را مجبور کردند که بوقفا داری و صداقت با اساس مشروطه ایران قسم یاد نماید .

بیست و ششم آپریل ۱۹۰۷ (سیزدهم ربیع الاول ۱۳۲۵) که اثابك مراجعت بایران نموده و وارد طهران شد ، تمام شعب و دوائر دواتی را پریشان و غیر منظم یافت ، خزانه برحسب معمول خالی و در تمام مملکت شورش و هرج و مرج جاری بود . اگرچه مجلس کما بیش میدانست که چه باید بکند ، ولی شاه مصمم بود که مجالسین غیرازفقط تصویب و اجراء خیالات او اقدام بهیچ کار دیگر نکنند . اهالی اصفهان هم برخلاف حکومت ظل السلطان عموی شاه شورش و بلوی و شهر تبریز هم در حال انقلاب و پریشانی بود . در ماه ژون هم آن ایرانی دیوانه یعنی شاهزاده سالارالدوله برادر شاه ، علانیه در ولایت همدان یانگی و قصد خود را برای تحصیل تاج و تخت بطهران اعلان نمود . بعد از سه روز جنگ با افواج شاه ، در همان ماه در نزدیکی نهاوند شکست خورده و دستگیر گردید .

امور و اوضاع مملکتی از بد ، بد تر ، و دوات روس هم که هیچگاه واضی باستقرار اصول مشروطیت در ایران نبود ، از ماه اوت بمداخلات خود شروع به تهدید مجلس نموده ، با عثمانی هم مخالفت آغاز و یکدسته ششمزار نفری از افواج عثمانی از سرخند شمال غربی

ایران عبور و تجاوز و بعد از تصرف و قبضه نمودن چندین قصبات شهر ارومیه را آشکار تهدید نمودند .

در تمامی آن مدت اتابک مشغول به تشنه کشی و بدست آوردن قرضه دیگری از دولت روس بود ، چون خائف بود که مبادا مجلس تصویب نکند و بدون تصویب مجلس هم تکمیل آن قرض مشکل بود ، تا او آخرات تقریباً در جلب موافقت اکثر و کلا ، باخیال خود ، کامران و کامیاب گردید . ناگاه درسی و یکم اوت (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) وقتیکه از پارلمنت بیرون می آمد ، بگلوله جوانی معروف به عباس آقای تبریزی کشته و بلا فاصله عباس آقا هم خود کشی نمود . آن جوان یکی از اعضاء انجمن های بسیار یعنی مجامع و سوسیاتیهای پلتیکی سری بود که اعضاء آنها به تعداد کثیری معروف شده بودند ، ولی بی شبهه قصد و خیال وطن پرستانه وی حفظ دولت مشروطه بوده و از خرابی و حیل هائیکه بتوسط این رئیس الوزراء در شرف ظهور آمدن بود ، او را وطن فروش میدانست .

قتل اتابک شاهد صریحی بود بر تحقق و وجود عده کثیری که قسم خورده بودند که اساس مشروطیت را حمایت نموده و کسانی که مخالف با نمایندگان باشند از میان بردارند ، اگرچه به تحمل زجر و مشقت های سیاسی ، یا بکشته شدن مجرمانه منجر شود .

بعد از آن تا زمانه درازی پریشانی بی اندازه در امور واقع و تا مدتی شاه و مجلس نتوانستند در قبول کابینه اتفاق نمایند . تا او آخر اکتوبر ۱۹۰۷ (او آخر رمضان ۱۳۲۵) که ناصر الملك (که اکنون نایب السلطنه ایرانست) به تشکیل کابینه متفق علیهم موفق شده احتمال قوی درباره بسیاری از اعضاء آن کابینه میرفت که حامی اساس

مشروطیت باشند . تا ماه دسامبر که آن کابینه مستعفی شد ، به مشاغل
راجعہ بخود مشغول بودند .

سی و یکم اوت ۱۹۰۷ (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) معاهده بین
انگلیس و روس در پترسبرگ بامضا رسید و چهارم سپتامبر (بیست
و پنجم رجب ۱۳۲۵) در طهران شهرت یافت و با کمال احتیاطیکه
در مواد و عبارات اطمینان بخش آن عهد نامه رعایت شده و با ضمانت
احترام و بقاء استقلال ایران که در آن تصریح شده بود ، اثر بسیار
دردناک حسرت انگیزی در ایرانیان نمود .

وقع و اهمیت معاهده مذکوره برای و قایع تاریخی که بعد ذکر
خواهد شد ، بدرجه می باشد که مناسبت دارد قسمتی از موادش که
راجع بایرانست در اینجا ذکر شود .

(معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس)

(اعلی حضرت پادشاه ممالک متحدہ بریتانیہ اعظم و آیرلند و مستملکات
ماوراء بحار بریتانیہ و امپراطور هندوستان و اعلی حضرت امپراطور
تمام روسیہ ، بواسطہ تحریک خواهشهای سابقہ ، راجع به تصفیہ
مسائل مختلف فیه ، متعلق بفوائد و منافع دولتین در قارہ آسیا ، متفقاً
مصمم شده اند که عهد نامه را تکمیل کنند که غرض اصلی از آن
منع و رفع موجبات کدورت و اختلاف بین دولتین بریتانیہ اعظم و
روسیہ میباشد ، متعلق بمسائل مذکوره ذیل :-

باین ملاحظہ سفراء خود را یعنی اعلی حضرت پادشاه ممالک بریتانیہ

اعظم و غیره و غیره سر آرثر نیکلسن (Sir Arthur Nicolson)

سفیر فوق العادہ و وزیر مختار دولت خود را که مقیم دربار اعلی حضرت
امپراطور روسیہ است و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیہ رئیس

دربار خود الکساندر ایسولسکی (Alexander Iswolsky) را که وزیر امور خارجه دولت روسیه است ، برای انجام این معاهده مأمور نموده . و ایشان کلیه اقدارات و اختیارات خود را که صحیح و مطابق قاعده بود بیکدیگر ارائه و تسلیم و در امور ذیل اتفاق نمودند :-
اصلاحات متعلقه بایران

دولتین بریتانیه و روسیه باهم متعهد اند که احترام استقلال و آزادی ایران را کاملاً رعایت نمایند و چون صادقانه خواستار و طالب حفظ و بقاء امنیت و نظم در تمام آن ملک و ترقی صحیح صلح آمیز آن میباشند ، و نیز برای برقرار داشتن فوائد متساویه تجارت و صناعت جمیع ملل دیگر ، و بملاحظه اینکه هر یکی از این دو دولت بعلل و موجبات جغرافیائی و اقتصادی غرض و فایده خاصی در برقرار داشتن صلح و امنیت در بعضی ولایات ایران در نظر دارند ، که از يك طرف متصل یا مجاور سرحد روسیه و از طرف دیگر بسرحدات افغانستان و بلوچستان میباشد ، و چون خواهشمند پرهیز و اجتناب از موجبات مناقشات بین منافع و فوائد متعلقه بخود شان ، در ولایات مذکوره ایران میباشند ، در شرایط و مواد ذیل باهم اتفاق نموده اند :-

(اولاً) دولت انگلیس یا بریتانیه اعظم تعهد میکند که هیچ گونه امتیازی برای خود ، یا بحمايت رعایای انگلیس ، یا رعایای دولت ثالثی جلب و تحصیل نکند ، چه پلنیکی باشد و چه تجارتی ، مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره ، خارج از خطیکه از قصر شیرین شروع شده و از اصفهان و برید و خلیج گذشته به نقطه سرحدی ایران ، چابکده سرحد روس

و افغانستان باهم تقاطع میکنند منتهی شود و نیز در خواش اینگونه امتیازات صراحةً یا کنایهً ، در آن خطه که تحت حمایت روس است ، با دولت مشارالیهها مخالفت نه نماید . این نکته مسلم است که نقاط مذکوره فوق جزو آن خطه میباشد که دولت انگلیس تعهد میکند که امتیازات مذکوره را در آن خواش نکند .

(ثانیاً) دولت روس از جانب خود تعهد میکنند که هیچگونه امتیازی برای خود ، یا بحمايت رعایای دولت روس ، یا در باره رعایای دولت ثالثی جاب و تحصیل نکند ، چه پایتکی باشد و چه تجارتي ، مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره ، خارج از آن خطه که از سرحد افغانستان شروع و از راه فاریک و کرمان و بیرجند گذشته و به بندر عباس منتهی شود . و نیز صراحةً یا کنایهً در خواش امتیازات مذکوره ، در آن خطه که تحت حمایت دولت انگلیس است ، با دولت مشارالیهها مخالفت نماید . و این مطالب نیز مسلم است ، که امکان مذکوره فوق ، جزو آن خطه است که دولت روس تعهد میکند که امتیازات مذکوره فوق را خواش نکند .

(ثالثاً) دولت روس از طرف خود تعهد میکنند که مخالفت نکند و تصویب نماید ، تحصیل هر قسم امتیازی که رعایای دولت انگلیس تحصیل نمایند در آن امکانه ایران که واقعت بین دو خط مذکور در آرئیکل اول و دوم ، در صورتیکه قبلاً باهم تباہی و قرارداد کرده باشند . و دولت انگلیس نیز قبول میکنند مثل این تعهد را ، متعلق بتحصیل رعایای دولت روس امتیازات مذکوره را ، در همان امکانه سابقه الذکر ایران و جمیع امتیازات موجوده حالیه که در خطه های مذکوره در فصل

اول و دوم این معاهده میباشد ، بحال خود باقی خواهند بود .
 (رابعاً) این نکته مسلم است که عایدات جمیع گمرکات ایران باستانی
 عایدات گمرکی فارس و خلیج فارس ، یعنی عایداتی که ضمانت میکند
 تأدیة سود و استهلاك قرضهائی را که دولت ایران از بانک استقراضی
 تا تاریخ امضاء این عهد نامه گرفته است بمصرف همان محل خواهد رسید
 که سابقاً بان مصرف میرسیده ، و این نیز مسلم است که عایدات گمرکی
 فارس و خلیج فارس و نیز عایدات ماهی گیری دریای خزر که در
 کنار ایران واقعست و هم عایدات پست و تلگراف ، کافی السابق
 بمصرف تأدیة قروضی خواهد رسید که بین دولت ایران و بانک
 شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرار داد شده است .

(خامساً) در صورت وقوع بی نظمی در اقساط استهلاك ، یا تأدیة
 سود قروض دولت ایران ، که با بانک استقراضی و بانک شاهنشاهی
 ایران تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرار داد شده و در صورت وقوع
 ضرورتی که برای دولت روس پیش آید ، برای برقرار نمودن نظارت
 خود بر مآخذ های عایداتی که ضامن تأدیة قرضه های بانک مذکور اول ،
 و در خطه مذکوره در فصل دوم این عهد نامه واقعست ، یا بر قرار
 نمودن دولت انگلیس نظارت خود را بر مآخذ های عایداتی که ضمانت
 تأدیة قرضه های بانک مذکوره ثانی را نموده و در خطه مذکوره در
 فصل اول این عهد نامه واقعست . دولتمندان انگلیس و روس تعهد میکنند
 که خیالات خود را دوستانه با رعایت تدابیر و شروط نظارت در مسئله
 ممهوده مبادله نموده و از هر گونه مداخله و تصرفی که مخالف با
 اصول این عهدنامه باشد اجتناب و پرهیز کنند . نیکلس - ایسولسکی)
 فقرات دیگر این عهدنامه منطبق بافغانستان و تبت است



« میرزا محمد رضا کرمانی قاتل ناصرالدین شاد متعلق بہ صفحہ ۱۸ »۔

این عهد نامه فقط بین انگلیس و روس انعقاد و تکمیل یافت .
 علی الظاهر برای نظم و تصفیة مسائلی بود ، که تعلق به فوائد و اغراض
 متناسبه آنها داشت . جمیع آن فوائد و اغراض چه در مملکت ایران و چه
 در سایر ممالک ، جعلی و از خود در آورده و بین خود شان انعقاد و
 مقرر بود . دولت ایران در انعقاد این عهد نامه بهیچ قسم نه سرآ و نه
 علناً طرف ، واقع نبوده و دخالتی نداشت ، و مجلس نیز حقیقتاً از تکمیل
 آن عهد نامه تا چهارم دسامبر که در طهران انتشار یافت بی اطلاع بود .
 ایرانیان بی شبهه از این تقسیم مملکتشان در شب (در غیاب و خفا)
 اظهار تنفر بسیار نمودند ، حتی از آن خطوط موهومی جغرافیائی
 که آن دو دولتی که خود شان را با دولت ایران منجابتین میخواندند
 معین نموده و در صورتیکه صراحتاً « تعاهد و اتفاق خودشان را برای
 استقلال و آزادی ایران و خواهشهای صادقانه آنها در برقرار داشتن نظم
 در تمامی آن مملکت ، و ترقی صالح آمیز آن » اعلان کرده بودند .
 اهالی طهران خیلی بهیجان آمده ، جوش و خروش و پروتستهای
 متمارنی در بازارها واقعه شد . روز دیکرش سر سیسیل اسپرنگ ریس
 (Sir Cecil Spring roe) وزیر مختار انگلیس در طهران مراسم
 رسمی بدولت ایران نوشت که در آن توضیح حقیقت و معنی آن عهد
 نامه نا پسندیده را بعبارت ذیل درج کرده بود :-
 ترجمه مراسم رسمی وزیر مختار انگلیس راجع به اهیت و اغراض حقیقی
 معاهده انگلیس و روس که در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم
 رجب ۱۳۲۵) بفارسی بوزارت امور خارجه ایران اظهار داشته بود و
 بدو ستدار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که قرار دادی
 فیابین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتن در ایران

و تقسیم این مملکت بین آنها خواهد بود . جنابعالی مطلعید که حقیقت و ماهیت عهد و پیمان انگلیس و روس بکلی برخلاف عقاید مردم میباشد . چنانچه بهین تازگی جناب مشیرالملک به پترسبرگ ولندن رفته و با وزیر امور خارجه هر دو دولت در این باب مذاکره و بحث نموده و آنها صریحاً اغراض مطلوبه خودشان را در باره ایران بایشان اظهار داشته بدون شبهه مشیر الملک آن اطمینانات را بدولت متبوعه خود اطلاع داده است .

سرادواردگری (Sir Edward Grey) وزیر امور خارجه انگلیس

مضمون مذاکرات بامشیرالملک و اظهارات مسیو ایسولسکی (Iswolsky) را که رسماً بدوات انگلیس تقدیم و بمشیرالملک توضیح و بمن هم اطلاع

داده است ، که سرادواردگری و مسیو ایسولسکی در دو نکته اساسی

بکلی باهم متفق اند . اولاً هیچیک از این دو دولت در امور ایران

مداخله نخواهند کرد ، مگر در صورتیکه خسارت و نقصانی بجان یا مال

رعایای آنها وارد آید . ثانیاً مفاد و مفهومی که از معاهده دواین انگلیس

و روس استنباط می شود ، هرگز شکستی باستقلال و آزادی ایران وارد

نخواهد آورد .

سرادواردگری این نکته را هم اظهار داشته که بواسطه رقابت و

مخالفتیکه بین دولتین انگلیس و روس تا بحال بوده و هر یکی از آن

دو سعی و کوشش در منع دوام نفوذ دیگری در ایران می نمودند

و اگر این رقابت غیر مطمئنه تاچندی در ایران امتداد می یافت ، شاید

یک یا هر دوی آن دو دولت را بمداخله در امور داخلی ایران ترغیب

می نمود ، تا از استفاده و انتفاع دیگری یا ضرر خود از حالات موجوده

ممانعت نماید . غرض از این معاهده بین انگلیس و روس جلوگیری

چنین اشکالات بین خودشان بوده و این معامله بوجه من الوجوه برخلاف صرفه و صلاح ایران نیست . چنانچه مسیو ایسوالسکی این نکته را بجناب مشیر الملک توضیح کرده است و هیچیک از این دو دولت هیچگونه چشمداشت و توقعی از ایران نداشته و هیچ چیز نمیخواهند ، تا اینکه ایران بتواند تمام قوای خود را برای نظم و تصفیه امور داخلی خود جمع نموده و مصروف دارد ، و آن دو وزیر بکلی در عدم مداخله در ایران متفق و جای هیچ گونه احتمال شکی هم در اینباب باقی نگذارده اند . کلمات و عبارات مسیو ایسوالسکی که بیان اراده انگلیس ها را میکند بر حسب ذیل است :-

« ملک عمومی دولت روس اجتناب از هر قسم مداخله در امور ممالک دیگر میباشد ، تا وقتیکه امر مضری برای فواید او واقع نشود ، و بکلی ممنوع است در اینمعامله موجوده از مساک خود انحراف ورزد . »

در باب شهرت افواهی تقسیم ایران بین انگلیس و روس اظهار کرده میشود که دولتین مذکورین میخواهند در ایران نفوذ خود را محدود و معین نمایند . سرادوار دگری و مسیو ایسوالسکی هر دو صریحاً اظهار داشته اند که این راپورت های افواهی بکلی بی اصل میباشد . چیزیکه این دو دولت در نظر دارند اینست که می خواهند قرار دادی برای منع اشکالات و اختلافات آتی به بسته شود با ضمانت و تعهد این نکته که باید هیچیک از آن دو دولت اراده جلب نفوذ در آن حصص ایران که متصل بمحدود دولت دیگری است نکنند . این معاهده نه مضر بفوائد ایران و نه مانع از منافع دولت دیگریست . زیرا که این معاهده انگلیس و روس را فقط پای بند و مقید میکند که در ایران هیچ طریقه اقدام به امری نکنند که منجر و منتهی به نقصان فواید

و منافع دیگری بشود. و به این وسیله ایران را در آینده از آن مطالبه در ازمنه سابقه مانع از ترقی آرزو های پولتیکیشان شده بود نجات دهند. آنچه میو ایسولسکی اظهار نموده بر حسب شرح ذیل است :-

« این معاهده بین دو دولت اروپائی که بزرگترین اغراض و فوائدشان در ایران مبنی بر ضمانت استقلال و آزادی آن مملکت می باشد ، فقط برای ترقی و پیشرفت فوائد آن دولت عمل خواهد شد تا از این بعد ایران بتواند به کمک و امداد این دو دولت قوی همسایه تمام قوای خود را بمصرف اصلاحات داخله خود برساند . »

از بیانات مذکوره فوق ملاحظه خواهید فرمود که افواهاتیکه در این روزها راجع بنخیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران شایع میشود چقدر بی بنیاد و بی اصل است. غرض این دو دولت از انعقاد این عهد نامه هیچگونه حمله نیست ، بلکه برای مطمئن ساختن آزادی ابدی ایرانست . نه فقط نمی خواهند عذری بجهت مداخله کردن در دست داشته باشند . بلکه غرض آنها از این عهد و پیمانهای دوستانه این است که یکدیگر را از مداخله در ایران به بهانه حفظ اغراض و فوائد ممانعت نمایند . این دو دولت امید وارند که دولت ایران همیشه از خوف مداخله اجانب نجات یافته ، به نحوی آزاد شود که امور خود را بطور دلخواه نظم دهد و باین قسم هم بخود ایرانیان و هم به تمام اهل عالم فایده خواهد رسید .

تا دسامبر ۱۹۱۱ (اوایل محرم ۱۳۳۰) این نوشته معتبر رسمی در [بلو-بوک] انگلیس ثبت نشده بود (۱) . اگر در همان اوقات بواسطه مشوالاتیکه بعد از تاریخ مزبور در آن باب از وزیر امور خارجه

(۱) بلو-بوک یا کتاب آبی : تقریباً که سواد نوشتجات بلتیک در آن ثبت می شود .

در مجلس و کلاه عمومی شده بود، مشخص گردید که مراسله مذکوره پنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) از طرف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بدولت اخطار گردیده است .

حالت پریشانی و بی نظمی ایران بهمان قسم جاری بود . در ماه نوامبر مطابق و جرائد طهران در آر تیکل های سخت حقارت آمیز بی مهابانه و تقریباً بی حجابانه ما فوق التصور ، بشاه حمله نمودند . چهارم نوامبر (بیست و هفتم رمضان ۱۳۲۵) شاه با شکوه تمام بمجلس رفته و مرتبه چهارم بقرآن قسم منلظ یاد نمود ، که مخالفت با اساس مشروطه نکرده و وفاداری نماید .

او آیل دسمبر همچو معلوم شد که محمد علی شاه عزم خود را جزم نموده که مجلس را خراب کند . برای انجام این مقصد دو دسته قشون داشت بریگاد معروف قزاق ایرانی که جمعیتشان از هزار و دویست تا هزار و هشتصد نفر ، و در تحت فرماندهی و حکم صاحب منصبان نظامی روس و از طرف دولت مشار الیهها برای انجام این خدمت مأمور و لکن موجب بگیر از خزانه دولت ایران بودند . و جماعت غیر منظمی هم از طبقه نوکر و مهترو قاطرچی های خود شاه ، به انضمام رجاله و آراذل حریص پای تخت . اقواج ایران بواسطه بی پروائی مصادر امور جنگ چنان بخصیض گنای تنزل کرده بودند که هیچکس آنها را قابل اعتنا تصور نمیکرد .

پانزدهم دسمبر (نهم ذیقده ۱۳۲۵) شاه اعضاء کابینه ناصر الملك را که تازه همان اوقات مستعفی شده بودند طلبیده و آنها را جبراً توقیف و رئیس الوزراء هم جزو آنها بوده (۱) .

(۱) ناصر الملك بواسطه سفارش و تاکید سفارت انگلیس خلاص شد مشار الیه یکی از همدرسهای سر ادوارد گری بوده و دوستان بسیار از سپاهین انگلیس داشت

در این اثنا الواط و ارادلیکه اجیر شده و از شاه پول گرفته بودند در میدان توپخانه که واقع در نقطه مرکزی طهرانست ، بلوائی آغاز نموده و برخلاف مجلس هیاهو کردند . لکن اقدام کافی برای تصرف و قبضه نمودن بهارستان ، یعنی عمارتیکه و کلاه در آن اجلاس و مذاکره میگردند ، فراهم نشده بود . روز بعد در موقعیکه مجلس بر حسب معمول منعقد بود ، داوطلبان مسلح از تمام اصناف ملت ، برای دفاع از تهدیدیکه بنمایندگان مشروطه آنها شده بود ، فوراً بطیب خاطر حاضر شده و مدخلمهای مجلس را محافظت نمودند . باین جهت بلوائیان شاه و قزاقهای ایرانی جرأت حمله بمجلس نکرده نتیجه این شد که صلح موقتی بروی کار آمد . باین معنی که شاه راضی شد بر حسب تقاضای ملت بعضی از ندما و وزراء خود را مغرول و تبعید کرده و الواط را که باعث سلب امنیت شده و سکنه طهران را غارت کرده بودند ، تنبیه و بریگاد قزاق و افواج دیگر دولتی را در تحت اختیار و اقتدار وزارت جنگ قرار داده و مجدداً قسمنامه مهر کرده و بمجلس بفرستند که مخالفت با مشروطه ننماید . در این موقع مردم بواسطه شنیدن تهدید تخریب مجلس فوراً از جمیع ولایات ، تلگرافاً ، اظهار حمایتهای خود را بوکلاه خویش تقدیم نمود . و چند دسته فدائی مسلح هم بطرف پای تخت گسیل داشتند .

بیستم دسمبر ۱۹۰۷ (چهاردهم ذیقعد ۱۳۲۵) بعد از عود امنیت از طرف شاه کابینه جدیدی بریاست نظام السلطنه معین و مجلس هم طریقه صلح آمیزانه خود را نسبت بشاه جاری و لکن پی در پی همان قسم وقایع تازه برانگیخته شده و پیش می آمد .
اواخر فوریه ۱۹۰۸ (اواخر محرم ۱۳۲۶) اراده قتل شاه شده بوده

و قبک در کالسکه که عقب اتوموبیل سلطنتی میرفت نشسته و از خیابانهای طهران عبور مینمود ، باین گمان که شاه در اتوموبیل است [بی] بالای اتوموبیل انداخته و محترق شد . زخم کمی به [شفر] یعنی اتوموبیلچی شاه که مرد فرانسوی موسوم به وارنه (M. varnet) بود رسید و محمدعلیشاه جانی سلامت بدر برده و بجز وحشت و دهشت سخت صدمه باو نرسید . البته از آن سوء قصدیکه مشروطه طلبان نسبت بجان شاه کرده بودند شاه بد گمان شده ، روابط و تعلقاتش نسبت بمجلس و مجلسیان نازک و دقیق تر گردید .

او آخر مه ۱۹۰۸ (او آخر ربیع الثانی ۱۳۲۶) هر یکی از آن دو فریق مطالب و مقاصدی اظهار نموده بودند که بنا بود طرفداران شاه و مشروطه طلبان آنها را تصفیه و اصلاح نمایند ، لذا اول ژون ۱۹۰۸ (غره جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه خواه نخواه مجبور شد ، که عده از درباریان ارتجاعی خود را که یکی از آنها امیر بهادر جنگ معروف که ملتیان از او بسیار متنفر بودند ، مهزول کند ولی مشارالیه بسفارت روس پناهنده شد .

روز بعد مداخله های علنی سفارتخانهای انگلیس و روس شروع و بطوری صریحاً تقویت و امداد از مغلوب شدن مجلس نمودند که نتیجه آن سه هفته بعد بمباردمان بهارستان بتوسط بریگاد قزاق شد . وزیر مختار روس مسیو دهارتویک (M. Dehartwig) و شارژدافرانگلیس مستر مارلینگ (Mr. Marling) ، وزیر امور خارجه ایران را ملاقات نموده و دولت ایران را حقیقتاً تهدید کردند که در صورتیکه مخالفت و ضدیت با خیالات و نقشه های شاه ترك نشود ، روس مداخله خواهد نمود . وزیر مختار روس سبقت

گرفته ، تهدیدات خود و خواهشهای شاه را اظهار نمود . ولی نماینده انگلیس همراهی دولت متبوعه خود را فقط موکول بقبول مقاصد وزیر مختار روس گردانید .

چگونه ممکن است که این تخویف و تهدید دولتهای روس و انگلیس را بمداخله جابرانه در اساس امور داخلی ایران ، با آن معاهده دولتهای و مرابله که سرسیسیل اسپرنگ ریس بدولت ایران نوشته بود توافق داده و جمع نمود . بی شبهه این تهدیدات علناً مناقض با وعدها نیست که در آن عهدنامه درج شده بود .

آن پیغام منحوس سفارتین فوراً بمجلس اخطار کرده شد و در آنجا هم همان اثر را بخشید ، که علی الظاهر نمایندگان دیپلماتی در نظر داشتند . مجلس همیشه از مداخله اجانب خوفناک بود .

بعد از آنکه مجلسیان ، شاه مفتن حیاه جوی قسم دروغ خود خود را عملاً مجبور کردند ، که مطابق قانون زندگی کند ، بملاحظه اظهارات آن دو سفارت که غرض اصلیشان برگردانیدن معاهدات ایران بحالت اولیه بود که از آبهای کدر گل آلوده ماهی بگیرند ، مجبور شدند که جدوجهد خود را بی نتیجه بگذارند .

روز دیگر که سوم ژون ۱۹۰۸ (سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶) بود خوف شاه او را مجبور کرد ، که بجهت محافظت خود از هر قسم مخاطرات متصوره از شهر خارج شده و در باغ شاه که خارج از شهر است اقامت نماید . و قریکه در این مسافرت کوچک از خیابانهای شهر عبور میکرد ، بواسطه رها نمودن دو هزار نفر سرباز گارد (مبلاخوری) که مستحفظش بودند ، و حرکت دادن سیصد نفر فرزانی یا توپخانه ، ولوله و هیاهوی غریبی در شهر برپا نمود .

شاه باین تدبیر و در پناه این پرده غوغا و آشوب ، باتفاق کرنل
لیانف (Colonel. Liakhoff) کاندان بریگاد قزاق ، بیاغشاه رفت .
روز بعد جماعت کثیری از مردم ، به تصور اینکه شاه خیال حمله
دیگری بمجلس دارد ، خواستار اعلان خلش شدند .

پنجم ژوئن ۱۹۰۸ (پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه بگرفتار
کردن عدّه از مشروطه طلبان مصمم شد و به بهانه اینکه میخواهد باایشان
مشورت نماید ، آنها را بیاغشاه دعوت نمود ، ولی یکی از آنها فرار
کرده و واقعه را فوراً بمجلس اطلاع داد . این اقدام باعث هیجان
شدیدی در پایتخت شد .

بین ششم و بیست و سوم ژوئن ۱۹۰۸ (۶ و ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶)
شاه تهدیدات علنی نموده و تدارکات خود را برخلاف مشروطه طلبان دیده
و افواج و اسلحه و قورخانه بسیاری در باغشاه جمع و مهیا و تلگرافخانه ها
را ضبط و از این راه مخابرات بین مجلس و ولایات را قطع و بجای
مشروطه طلبانیکه مستخدم دولت بودند ، ارتجاعیون مشهور را بخدمات
دولتی مأمور و بسیاری از مردم را حبس و قانون نظامی را در شهر
جاری و ریاست حکومت نظامی را به کرنل لیانف روسی سپرد . بعد از
آن قزاقها را بایک اولتیماتوم تهدید آمیزی بمجلس فرستاد که اگر مردم
منشر نشوند مسجد را بمباردمان خواهد نمود و علاوه تبعید عدّه
از مدیران جرائد و نطّاقان مشروطه خواه را خواستار و در آخر
بیست و دوم ژوئن مجلس و مردم را فریب داد که کمیونی مرکب
از ملتیهها و دولتیهها ، برای تصفیه مسائل مبحوث عنه مختلف فیه ،
تشکیل شود

قبل از طلوع آفتاب روز بیست و سوم ژوئن ۱۹۰۸ (۲۳)

جمادی الاولی ۱۳۲۶) بیشتر از هزار نفر قزاق با افواج دیگر عمارت مجلس را محاصره کرده و خیابانهای متصله بآن را نیز تصرف و مسدود نمودند. و کلاه و سایرین بهجمله تمام خود را بدان محل رسانیده، آنها را مانع از دخول بمجلس نشده، ولی از خارج شدن ممانعت نمودند. یکساعت بعد کرنل لیاخف باشش نفر صاحب منصب روسی دیگر وارد شد، افواج و شش توپ موجوده را بنوعی تقسیم کرد که سرکوب به آن محل باشد. بعد از آن کرنل مزبور سوار بر اسب شده و از آنجا رفت. افواج و توپخانه که تحت فرماندهی باقی افسران روسی بود فوراً بعمارت مجلس شلیک نموده و در شلیک اول عدّه از داوطلبان ملی که در آنجا حاضر بودند کشته شدند.

صد نفر یا بیشتر از ملتیان مسلح که در آنجا حاضر بودند جواب شلیکشان را داده و ۳ توپ قزاقها را بکامی بیکار ساختند. مجدداً کمک بقزاقها رسید. داوطلبان مجلس با اینکه عدّه بسیاری مخالف ایشان بودند، مدافعه شدیدی نموده و تا هفت یا هشت ساعت جنگ را امتداد دادند. تا اینکه آن عمارت از اثر نارنجک و شربتل خیلی خراب شده و آنها تیکه در آن بودند یا مقتول و یا گرفتار و یا فرار نمودند.

بسیاری از ملتیههای معروف گرفتار و ایشان را یا حبس و یا خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان درصدد دستگیر نمودن آنها بودند، فرار کردند. کرنل لیاخف و تاین هایش تا چند روز خانه های اشخاصی را که منقور شاه بودند، بمبارد و غارت میکردند. دفاتر مجلس را هم ضایع کردند. کرنل لیاخف با اینکه مأمور نظامی روس و ملبس به لباس روسی و مواجب بگیر از دوات ایران بود، حاکم حقیقی با اقتدار طهران گردید. کابینه روس با نقادیهائیکه انگلیسها و سایر اروپائیم

از اقدامات و مداخلات وی و افعال لیاخف کرده بودند، بکلی انکار و نپاشی نموده و متعذر شد که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه و بحری او امر او بوده است. دلائل و شهادتهای بسیار موجود است که ثابت میکند که لیاخف در واقع، نقشه تخریب مجلس و اساس مشروطه را، بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعیون که دورا دور امپراطور روس در پترسبرگ بودند و مسیو دهار تویک وزیر مختار روس در طهران نمونه نمایانی از آنها بود، بموقع اجرا گذاشت.

در خلال این حال شورش در ولایات، خصوصاً در رشت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنجا یک دسته سیصد نفری سوار بطهران فرستاده شد که از مشروطه حمایت نمایند.

در این زمان امید واری استرداد و عود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود، جای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید و آرزوی خود را احساس نمودند.

همان روز که کرنل لیاخف در طهران مشغول گلوله ریزی بمجلس بود در تبریز که دوّم شهر ایران بشمار است بین ملتیان و دولتیان در بازارها جنگ شروع شد. سکنه تبریز از آن زمان که محمد علی شاه، ولیعهد و حاکم ایالت آذربایجان بود، او را بخوبی شناخته و از وی متنفر بودند.

ناده ماه بعد از تخریب مجلس، مشروطه طلبان تبریز دو چار فشار حسرت و کشمکش بی تناسبی بودند. اوایل، گرفتار کشمکش و مقاومت با دولتیان بوده، تا اینکه تقریباً آنها را از شهر خارج کردند. او آخر، بسبب مسدود شدن راهها و محاصره کامل شهر دو چار

قحط و غلا شدند . در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نمود که روسها به بهانه اینکه قونسل تبریز احتمال وقوع خطر سختی برای اروپائیهای آن شهر میدهد ، اراده فرستادن قشون برای مداخله در تبریز دارند ، ولی حقیقت امر مکشوف شد که مسیو پوخیتانوف (M. pokhitonoff) با دولتیها آنتریک کرده که اسلحه و قورخانه بقشون دولتی برساند . افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و شهادت کافی از اروپائیها راجع به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت مشروطه در آن محل ، نظم کاملی فرمانروا بوده .

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهار صد نفر قزاق ایرانی با چهار توپ ، در تحت فرماندهی افسران روسی بریگاد قزاق ، برای مدافعه ملتیان از طهران به تبریز روانه شدند ، ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتیان بکلی تمام شهر تبریز را تسخیر و قبضه نمودند .

اواخر نوامبر (اوایل ذیقعدہ ۱۳۲۶) باوجود ورود قزاقها با توپ ، برای امداد محاصرین شهر ، ملتیان تبریز متواتراً فتوحات میکردند . ملتین سایر ایالات فرصتی برای تکمیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و در ظرف چهار ماه بعد از آن بمقصد خود نائل شدند . رشت و اصفهان و لار و سپس شیراز و همدان و مشهد و استرآباد و بندرعباس و بو شهر را ملتیان در قبضه تصرف خود در آوردند .

بختیار به بحمایت ملتین مصمم شده و بهمین جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۶) دو نفر از خوانین آنها صمصام السلطنه

ضرغام السلطنه با هزار نفر از متعلقین و منشیین خود ، شهر اصفهانرا تصرف شده و افواج دولتی را متفرق نمودند .

در رشت که واقع در شمال ایران است ، آن شخص معروف منی سپهدار اعظم که چند ماه قبل از آن در تبریز سردار و کماندان افواج دولتی بوده و شهر تبریز را محاصره کرده بود ، جنبش ملتیان با معاونت و امداد نمود .

• در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) مسکنه تبریز در عسرت بسیار واقع شده و بسیاری از آنها از گرسنگی در شرف مردن بوده و بزجر مشقت با علف (ینجه) گذران میکردند تا بعین وحشی رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند . استقامت ایشان در این محاصره ، قط بواسطه امید واریها و وعده های ینما و غارت نا محدودی بود که به آنها داده بودند که پس از تصرف و تسخیر شهر به آن نائل خواهند شد .

در موقعیکه ملتیان عازم بودند که بجهت تحصیل آذوقه برای اهل شهر یکی از راهها را باز کنند ، دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند . یکی از آنها مستر مور (M. moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روز نامه انگلیسی به ایران آمده و دیگری مستر باسکرویل (M. baskerville) امریکائی که در مدرسه پسران در تبریز معلم بوده و از حزب دعاه طریقه [پریس بتترین] (pres byterian) امریکائی بود (۱) .

مستر باسکرویل در حمله یستویکم آپریل کشته شد .
وقتیکه کار تحصیل آذوقه بعسرت و یأس رسید ، رأی داده شد

که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و فرمانفرمای قشون دولتی اطلاع دادند که آنها را بسلامت عبور دهد . ولی تقریباً تمام خارجیها راضی بودند که از منافع خود صرف نظر نمایند . بیستم آپریل (بیست و هشتم ربیع الاول ۱۳۲۷) روسها مصمم شدند که به بهانه تسهیل رسانیدن آذوقه و محافظت قونسلخانه‌ها و رعایای خارجه و کمک نمودن بکسانیکه میخواهند از شهر خارج شوند ، قشون خود را داخل شهر نمایند .

بیست و نهم آپریل (هشتم ربیع‌الثانی ۱۳۲۷) عده از قشون روس که مشتمل بر چهار دسته قزاق و سه باطالیون پیاده و دو باطری توپخانه و یکدسته عمهجات بود ، باطراف تبریز رسیده و روز بعد وارد شهر شدند . دولت روس ضمانتهای موثق و معتبر داد که اقامت و ساخلو بودن آن افواج در تبریز ، تا وقتیکه امنیت شهر و محافظت جان و مال قونسلهای و رعایای خارجه لازم باشد و نیز تعهد کرد که از مداخله در امور پلتیکی بکلی اجتناب خواهد نمود . چنانچه همیشه در مثل این گونه موارد معمول است ، تصادف و مشکلات سختی ، بین اهالی بومی تبریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شهر بودند واقع شد . با اینکه امنیت و نظم کامل در شهر عود کرد ، وعده خارج شدن روسها ابداً وفا نشد . در امتداد ماه مارس احزاب ملی رشت ، قسمتی از آن راه که بحر خزر را بقزوین و طهران اتصال میداد ، متصرف شدند .

پیشرفتن ایشان خیلی به کندی بود ، زیرا که مستظر ورود و توأم شدن افواج بختیاری اصفهان از سمت جنوب بودند .

نتیجه مراسله رسمی بسیار سخت سفارتین روس و انگلیس که در بیست و دوم آپریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجدداً در دهم

مه (نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) وعده صریح موثقی نمود که مشروطه را معاودت داده و برقرار نماید. لیدران و نماینده های ملی و مردم ابداً بوعدهای او اطمینان نداشته و اعتنا نکردند.

هر دو دسته افواج ملی توأماً بجانب پایتخت حرکت نمودند. فوج اصفهان در تحت فرمان صمصام السلطنه بزرگ بختیارها بود. قریب به هفتصد نفر از اوجا و زیرکش سردار احمد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود، با او شریک شده. شاه عده قشونی برای جلوگیری افواج مزبوره فرستاد.

در این اثنا حزب ملی رشت، شهر قزوین را که تقریباً نود میل طرف شمال (غربی) طهران واقعت تصرف نمودند. اگرچه ایشان در تحت حکم سپهدار اعظم بودند، ولی روح محرک آن افواج متهاجمه یورش آور را یفرم خان ارمی میدانستند. قزوین بتاريخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثانی ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عده از قزاقان ایرانی با دو توپ ماکزیم در تحت کماندانی کاپتان زاپولسکی (Captain Zapolski) روسی برای محافظت تنگه و پل کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند. عساکر ملی عددشان از ششصد نفر هم کمتر بود.

در این موقع سفارت روس دوباره شروع بمداخله در این کار نمود و مراسله تهدید آمیزی بسپهدار نوشته صراحتاً خواش کرد که پیشقدمی خود را بطرف طهران ترك و موقوف گرداند.

شانزدهم ژوئن (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و چندی بعد بن ایشان و ملذبین رشت و قزوین، ابواب مکاتبه و مراسله و استحکام

روابط مفتوح گردید . سفارتین روس و انگلیس در کار باز داشتن و منصرف نمودن خوانین بختیاری از خیالات و مقاصد شان بودند ، ولی بی نتیجه شد . بیست و سوّم ژون پیش قراول این حزب بهم که هشتاد میل سمت جنوب طهران است رسید .

باوجود تهدیدات مکررّه سفارتین ، سردار اسعد اظهار داشت که بعضی خواهشها از شاه داود و باین بهانه پیشقدمیش همانطور جاری بود . دولت روس در ترسانیدن افواج ملی کوشش بسیار نموده و بگرد آوردن افواج متهاجمه حمله آوری در بادکوبه شروع کرد که بشمال ایران فرستد .

در این موقع شهرت نمود که پنجهزار نفر افواج شاه در سلطان آباد متوقف و هزار و سیصد و پنجاه نفر هم قزاق در طهران بودند که هشتصد نفر آنها در شهر در تحت فرمان کرنل لیانف و سیصد و پنجاه نفر در شمال پای تخت (در سلطنت آباد ییلاق سلطنتی) و دویست نفر هم سمت جنوب پای تخت ، منتظر ورود بختیارها بودند . سوّم ژویه (چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) فوجی که در کرج بود بطرف شاه آباد که شانزده میل باطهران فاصله دارد عقب نشست و روز دیگرش هم يك مقابله و جنگ مختصری بین آن افواج و ملتیان که پیش می آمدند واقع و از طرف ملّیین دوازده نفر مقتول و از قزاقهای ایرانی که با سه عرّاده توپ در تحت حکم کاپتان زاپلسکی و دو نفر افسر نظامی [نان کیشن] روس بودند (۱) و يك صاحب منصب ایرانی و سه نفر تالین مقتول و دو نفر مجروح گردیدند .

در خلال این منازعات ، دولت روس موقع را مغتنم شمرد و متوالیاً

(۱) نان کیشن صاحب منصبان نظامی را گویند که از درجه پست سر بازی یا تالین شروع خدمت نموده و ترقیات آنها هم محصور است * (مترجم)